

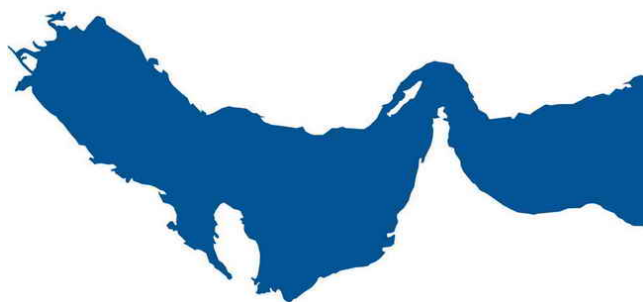
مسائل ژئوپولیتیکی، امنیتی، اقتصادی، دفاعی حوزه خلیج فارس

روح الله پورطالب

دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه ای گرایش خاورمیانه

ماهنامه خلیج فارس و امنیت

مرکز مطالعات خلیج فارس - اردیبهشت ۸۹



صفحه	موضوع
۱.....	چکیده
۱.....	کلید واژه.....
۲.....	مقدمه
۳.....	بخش اول : تعریف مفاهیم
۵.....	بخش دوم : چارچوب نظری
۸.....	بخش سوم : ژئوپولیتیک خلیج فارس و نظریه های آن
۱۲.....	بخش چهارم : ژئوپولیتیک کشورهای حوزه خلیج فارس
۱۹.....	بخش پنجم : مسائل اقتصادی و انرژی خلیج فارس
۲۱.....	بخش ششم : مسائل امنیتی خلیج فارس
۲۴.....	بخش هفتم : شورای همکاری خلیج فارس و مسئله ی امنیت
۲۷.....	نتیجه گیری و پیشنهادات
۲۹.....	منابع

چکیده

در این پژوهش سعی شده مسایل امنیتی، اقتصادی، انرژی و ژئوپولیتیک منطقه خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم. به طور کلی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به علت وجود منابع عظیم انرژی و تنگه هرمز از مناطق استراتژیک جهان هستند، که همیشه از لحاظ امنیت و اقتصادی دچار مشکل بوده است، طی سالهای گذشته یعنی بعد از انقلاب اسلامی ما شاهد جنگهای پی در پی در این منطقه بوده ایم، اما در این مقاله سعی شده که مسائل مربوط به ژئوپولیتیک و اقتصاد و امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار دهیم، این مقاله شامل هفت بخش است که در بخش اول آن به تعریف مفاهیم مهم ژئوپولیتیک، جغرافیای سیاسی و امنیت می پردازیم، بخش دوم به چهارچوب نظری که از الگوهای واقعگرایانه، هژمونیک و امنیت مشارکت جویانه استفاده شده است پرداخته ایم. بخش سوم را به ژئوپولیتیک خلیج فارس و نظریه های که در این رابطه است از جمله هارتلند، ریملند، قدرت دریایی، کمربندشکننده، که هر کدام به جایگاه منحصر به فرد خاورمیانه و خلیج فارس اشاره دارند اشاره می کنیم، در بخش چهارم ژئوپولیتیک کشورهای حوزه خلیج فارس را مورد بررسی قرار می دهیم و بخش پنجم اقتصاد و انرژی از جمله گاز و نفت را مورد بررسی قرار می دهیم، بخش ششم اختصاص دارد به مسائل امنیتی حوزه خلیج فارس، در بخش هفتم به شورای همکاری خلیج فارس و چگونگی تامین امنیت حوزه خلیج فارس اشاره کرده ایم در پایان هم نتیجه گیری و پیشنهادهایی ارائه می دهیم.

کلید واژگان

امنیت، ژئوپولیتیک، جغرافیای سیاسی، نفت، خلیج فارس، ایران،

در ژئوپولیتیک واحد مطالعه منطقه است . در این دیدگاه پدیده های سیاسی در چهارچوب «حوزه جغرافیایی» آن بررسی می شوند . خلیج فارس ، این منطقه ژئوپولیتیکی ایرانی - عربی ، به دلیل حساسیت جغرافیایی و در برداشتن ذخایر عظیم نفت و گاز ، همواره توجه کشورهای مجاور و همچنین جهان را به خود معطوف داشته است . منطقه خلیج فارس به دلیل موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن گذشته محسوب می شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و استراتژیک در این منطقه می باشد. ترتیبات امنیتی در خلیج فارس از دیرباز مورد توجه بازیگران بین المللی و منطقه ای قرار داشته است . از آنجا که جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین بازیگران در عرصه امنیت خلیج فارس محسوب می شود، هر برنامه ای که در این زمینه طراحی و تدوین شود برای ایران اهمیت ویژه ای دارد. در این پژوهش به دنبال جوابی صحیح برای سوالی است که مطرح می کنیم که نقش ایران در امنیت منطقه خلیج فارس چگونه است ؟ و فرضه ای هم که در این رابطه مطرح کرده ایم چنین است که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزایی ایجاد می کند.

بخش اول: تعریف مفاهیم

ژئوپولیتیک :

"ژئوپولیتیک" عبارت است از مطالعه روابط قدرت ها در سطح جهان بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می گذارد و یا امکاناتی که می توان از محیط جغرافیایی گرفت. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۳) این واژه برای اولین بار توسط رودلف کیلن، جغرافی دان سوئدی که دنباله رو راتزل بود در سال ۱۸۹۹ ابداع شد. تعبیر او از این واژه « تاثیر عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بود (عزتی، ۱۳۷۲: ۹)

جغرافیای سیاسی :

تعاریف متعدد و زیادی از جغرافیای سیاسی وجود دارد که به چند مورد از آنها می پردازیم .

جغرافیای سیاسی اساسا درگیر تحلیل فضایی پدیده های سیاسی است و به اختصاصات فضایی فرایند سیاسی توجه دارد . (داریسیدل، بلیک، ۱۳۸۶: ۹) جغرافیای سیاسی به تقسیم بندی های سیاسی فضای قابل وصول به یک گروه خاص می پردازد . اگر سطح زمین مانند پوسته صاف توپ پینگ پنگ یکنواخت بود موضوعاتی از قبیل جغرافیای سیاسی و روابط بین الملل وجود نداشت .

جغرافیای سیاسی به تقسیم بندی های سیاسی در صحنه جغرافیایی می پردازد . جغرافیایی سیاسی مفاهیم چون (کشور و مرز ، حکومت و سرزمین ، حرکت و روابط میان مرکز و پیرامون ، منطقه و دولت) را بررسی می کند.(مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۳۲)

امنیت :

تعریف فرهنگ های لغات از «امنیت»، عبارت است از: در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. «امنیت» همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی، و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. امنیت خواه فردی، ملی یا بین المللی، در زمره ی مسائلی است که انسان با آن مواجه است. امنیت به صورت وسیع، در مفهومی به کار گرفته شده است که به صلح، آزادی، اعتماد، سلامتی و دیگر شرایطی اشاره می کند که فرد و یا گروهی از مردم احساس آزادی از نگرانی، ترس، خطر یا تهدیدات ناشی از داخل یا خارج داشته باشند. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۴۳) از سوی دیگر، امنیت پدیده ای متأثر از مؤلفه های مادی - ذهنی به شمار می آید که دیگر چونان دوران جنگ سرد، نمی توان آن را در ذیل ملاحظات نظامی تعریف نمود. (مکین لای، آرلیتل، ۱۳۸۱: ۵۹)

بخش دوم: چارچوب نظری

در دهه‌های اخیر و به ویژه پس از پایان جنگ سرد، مفاهیم امنیتی شاهد دگرذیسی چشم‌گیری شده است. تحولات سال‌های اخیر با حادثه ۱۱ سپتامبر شروع شد و در نتیجه سیاست یک جانبه‌گرایانه آمریکا فضای بین‌المللی جنبه امنیتی یافت. از سوی دیگر، اشغال عراق ترتیبات امنیتی جهانی را دچار تغییرات اساسی نمود. سقوط صدام حسین و شکل‌گیری عراق جدید، باعث تحول بیشتر در معادلات منطقه خلیج فارس و ترتیبات جدید امنیتی منطقه‌ای خواهد شد. متفکرین و اندیشمندان با توجه به شرایط این منطقه نظریه‌هایی را برای ترتیبات امنیتی خلیج فارس ارائه کرده‌اند. این نظریه‌ها هر کدام با توجه به اهداف قدرت‌های ذی‌نفوذ می‌تواند قابل اجرا باشد. هم‌اکنون منطقه مهم خلیج فارس نیازمند داشتن یک الگوی جدید ترتیبات امنیتی است. از میان چارچوب‌های امنیتی سه نظریه و الگورا که امروزه در مورد امنیت بین‌المللی بیشتر مطرح هستند، به اختصار معرفی خواهیم کرد.

- سیاست واقع‌گرایانه رقابتی یا الگوی سنتی؛

- الگوی هژمونیک؛

- الگوی امنیت مشارکت‌جویانه.

الف - الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی:

این الگو بر پایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی استوار است، اما وجود این تهدیدات به معنی نادیده انگاشتن حاکمیت، منافع ملی و نگرانی‌های امنیتی سایر بازیگران نیست. در این الگو ترکیبی چند قطبی از کشورهای وجود دارد که دارای روابط سیال و براساس سود و زیان مقطعی هستند که در طول زمان ممکن است تغییر کند. در این الگو منطق موازنه قوا پذیرفته شده است و به طور کلی هیچ کشوری به طور دائم دوست و یا دشمن شناخته نمی‌شود. در مورد همه کشورها سطوح مختلفی از منافع مشترک یا متعارض وجود دارد و وجوه مشترک تقریباً به همه کشورها در هر منطقه اجازه می‌دهد که براساس شرایط روز با یکدیگر متحد شوند. به

طور کلی، به نظر می‌رسد شیوه موازنه قوای سنتی یا همان الگوی سیاست واقع‌گرایانه رقابتی برای مدیریت مسائل امنیتی در شرایط زیر نتیجه بهتری بدهد:

- کشورها تا حدی دارای ارزش‌ها و منافع مشترکی هستند و از این رو تعریف‌های مشابهی از امنیت و ثبات ملی دارند؛

- کشورها به طرف مقابل خود اطمینان دارند و به نام گسترش مجموعه خاصی از ارزش‌ها نظم موجود را برهم نمی‌زنند؛

- کشورها به موجودیت مختار و مستقل دیگر بازیگران احترام می‌گذارند؛

- وجود جنبش‌ها و ایدئولوژی‌های فراملی و داخلی نقش‌کانونی کشورهای مستقل به عنوان بازیگر اصلی را نفی نمی‌کند؛

- اولویت‌های سیاسی کشورها به طور معقولی قابل پیش‌بینی و در طول زمان ثابت است و همین امر باعث اعتمادسازی می‌شود.

ب - الگوی هژمونیک:

الگوی دوم برای ایجاد چارچوب امنیتی منطقه‌ای الگوی هژمونیک است که بر اساس غلبه منافع یک مجموعه از کشورها بر دسته‌ای دیگر و کاربرد عملیاتی ابزارهای نظامی و اقتصادی برای اعمال سیاست بازدارندگی طراحی می‌شود. براساس این الگو، صف دوستان و دشمنان کاملاً مشخص و از یکدیگر تفکیک می‌شود. به عبارت دیگر، "هر که با ما نیست برماست". این دیدگاه یادآور دوران مرکانتیلیسم قرون هجدهم و نوزدهم است که در آن اتحادیه‌های سنتی برای دوستان امنیت دسته جمعی را در چارچوب حفاظت از راه‌های دریایی، کنترل مالی بین‌المللی و پیشرفت‌های فن‌آوری به ارمغان می‌آورد و این امتیازات را به طور کلی از دشمنان دریغ می‌کرد.

این الگو در دوران اخیر در مورد مقابله با گسترش تسلیحات هسته‌ای نیز به کار گرفته شده است و در آن رویکردی اجماعی برای مقابله با کشورهای غیر دوست وجود دارد. این الگو شامل جلوگیری از انتقال فن‌آوری، جلوگیری از دسترسی آنها به تسلیحات کشتار جمعی، تسلیحات هدایت شونده دقیق و حتی متعارف می‌شود. در این الگو شیوه دفاعی متکی بر حملات پیش‌دستانه و همچنین اقدامات واکنشی یا به عبارت دیگر پدافند کامل، بازدارندگی و حملات پیش‌دستانه است.

ج - الگوی امنیت مشارکتی:

این الگو نگاه متفاوتی به سیاست بین‌الملل دارد و تفکر اصلی و مرکزی حاکم بر آن عبارت از این است که همه کشورها می‌توانند امنیت نسبی را از طریق پذیرفتن تعهدات متقابل در خصوص محدود کردن توانایی‌های نظامی برای خویش تامین کنند. در این رژیم امنیتی، تنها دوستان و متحدان حضور نمی‌یابند، بلکه از دیدگاه امنیت مشارکت جویانه فرض بر این است که دشمنان همان محدودیت‌های فنی را بر رفتار خود خواهند پذیرفت که دوستان می‌پذیرند و این کار علی‌رغم وجود بی‌اعتمادی متقابل امری شدنی است. همچنین فرض بر این است که این محدودیت‌های قانونی و فنی امتیازات متقابلی را نیز در برخواهد داشت. در این الگو تضمین‌های امنیتی نه از طریق سلطه بلکه برعکس از راه غیرقابل قبول کردن گزینه‌هایی که هدف آنها کسب سلطه بر رقیبان است، به وجود می‌آید. به طور خلاصه، در رویکرد امنیت مشارکت‌جویانه، امنیت به طور فزاینده‌ای به منزله ملک مشاعی تعریف می‌شود که قابل تقسیم نیست. این رویکرد کشورها را به دوست، متحد و دشمن تقسیم نمی‌کند، اما تهدیدات علیه همه بازیگران مساوی است و همه شرکا خواستار امنیت متقابل هستند. (واعظی، ۱۳۸۵: ۳-۴)

هر یک از الگوهای فوق را می‌توان با توجه به شرایط منطقه خلیج فارس و بازیگران ذیربط مورد بررسی قرار داد و کارآیی آنها را با توجه به این دیدگاه‌ها تحلیل کرد و در نهایت قابل قبول‌ترین الگو را برای ترتیبات امنیتی آتی خلیج فارس پیشنهاد نمود.

بخش سوم : ژئوپولیتیک خلیج فارس و نظریه های آن

"ژئوپولیتیک" عبارت است از مطالعه روابط قدرت ها در سطح جهان بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می گذارد و یا امکاناتی که می توان از محیط جغرافیایی گرفت. (مجتهد زاده، ۱۳۷۹: ۲۳) این واژه برای اولین بار توسط رودلف کیلن، جغرافی دان سوئدی که دنباله رو راتزل بود در سال ۱۸۹۹ ابداع شد. تعبیر او از این واژه « تاثیر عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بود (عزتی، ۱۳۷۲: ۹)

واژه دیگری که ارتباط تنگاتنگی با مفهوم ژئوپولیتیک دارد واژه جغرافیای سیاسی است. در واقع جغرافیای سیاسی و ژئوپولیتیک دو گرایش از یک موضوع هستند که به تعاملات میان قدرت سیاسی و محیط جغرافیایی می پردازند. پیوند سیاست و جغرافیا در درون مرزهای یک کشور موضوع جغرافیای سیاسی است در حالی که ژئوپولیتیک نگاهی فراملی و جهانی است. مفاهیمی مانند (کشور، حکومت، مرز و بوم، ملیت، هویت و ناسیونالیسم) از مفاهیم محوری و مطرح در جغرافیای سیاسی هستند.

رویکرد ژئوپولیتیک با درجات مختلف بیانگر تاثیر قطعی و جبری جغرافیا در امور تاریخی و سیاسی است. (نورائی، شفایی، ۱۳۸۵: ۱۱۶) گروهی معتقد ژئوپولیتیک رابطه جغرافیای طبیعی و انسانی بر سیاست داخلی و خارجی مورد توجه قرار می دهد. عده ای دیگر نیز ژئوپولیتیک را رابطه ای بین عوامل جغرافیای طبیعی و سیاست یک کشور می دانند. برخی دیگر ژئوپولیتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می دانند و معتقدند مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاسی یک کشور می دانند. (الهی، ۱۳۸۴: ۱۷)

خلیج فارس (خلیج پارس) در امتداد دریای عمان و در میان شبه جزیره عربستان و ایران قرار دارد. خلیج فارس بازمانده گودال بزرگی است که در دوران های گذشته زمین شناسی، فشار آتش فشانهای فلات ایران و پایداری فلات عربستان در برابر این واکنش های تکتونیک، سبب ایجاد و توسعه پهنا و ژرفای آن شده است. خلیج فارس از قدیم الیام به این نام معروف بوده است. طبق مدارک به دست آمده بویژه کتیبه ای که در موقع حفر کانال سوئز از داریوش به دست آمده این خلیج به نام دریای پارس خوانده شده است. مورخان و محققان خارجی دنیای قدیم از آن جمله هرودوت، نثارخوس، استرابلن، ک. رلیوس، رومی و نیز محققان اسلامی نظیر

مسعودی ، بیرونی ، ابن حوقل، موقوسی ، مستوفی ، ناصر خسرو در آثار و نوشته های خود از آن به نام خلیج فارس یا دریای پارس یاد کرده اند . (سایت مرکز ملی مطالعات خلیج فارس، مقاله ای تحت عنوان وضعیت حقوقی جزایر سه گانه، روح الله پورطالب)

نگارش تاریخ خلیج فارس پیوسته بخش پر اهمیتی از جهان بوده و همان طور که تاریخ نویسان و باستان شناسان به ما می گویند تمدن بشر در نزدیکی آبهای این دریا پدید آمد. خلیج فارس نقش خود را به عنوان شاه راه بازرگانی از روزگاران باستان آغاز کرد . این نقش از هنگام گسترش قدرت امپراتوری های بزرگ مانند هخامنشیان، یونانیان، مقدونیان، پارتیان، رومیان و ساسانیان اهمیت بیشتری یافت . هنگامی که تشکیلات غرب حاکمیت خود را بر اساس منطقه گستراند خلیج فارس نقش خود را در زمینه ی بازرگانی و ارتباطات تجدید کرد و مرکز این تشکیلات و پیرامون آن مرتبط ساخت . به هنگام گسترش رقابت های سیاسی استراتژی یک قدرت های اروپایی در منطقه ی خلیج فارس به عنوان یک شاه راه بازرگانی و مهم به عنوان یک حلقه ی پر اهمیت در زنجیر استراتژی آنان مورد توجه قرار گرفت . (گلوردی ، ۱۳۸۱:۱۱) از نظر طبیعی خلیج فارس دریایی هلالی شکل است که از طرف شرق بادرای عمان و اقیانوس هند ارتباط دارد. خلیج فارس دارای حدود هزار کیلومتر طول و بین دویست تا سیصد کیلومتر عرض است . سطح آن حدود ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و عرض آن در قسمت تنگه هرمز حدود ۶۰ کیلومتر است . خلیج فارس در عرض جغرافیایی ۲۴ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۰ درجه و طول جغرافیایی ۴۸ درجه تا ۵۶ درجه و ۳۰ دقیقه واقع شده است. آب و هوای این ناحیه خشک و نیمه استوایی بوده و دمای آن در هنگام زمستان معتدل و در تابستان بسیار گرم و شرجی می باشد . میانگین درجه شوری آب نیز در آن بین ۳۷ تا ۴۰ در هزار است . (گلوردی ، ۱۳۸۱: ۱۲) اما نظریه های مربوط به ژئوپولیتیک خلیج فارس را می توان چنین تقسیم بندی کرد . نظریه هارتلند ، نظریه ریملند ، نظریه قدرت دریایی ، نظریه کمربند شکننده .

نظریه تئوری هارتلند (۱)

بر اساس تئوری هارتلند هر کس منابع انسانی و فیزیکی اروپا و آسیا واقع بین آلمان و سبیری مرکزی را در اختیار داشته باشد می تواند جهان را کنترل کند. این تئوری توسط جغرافیدان انگلیسی، سر هالفورد مکیندر (۲) در مقاله ای در سال ۱۹۰۴ و سپس در کتاب وی در سال ۱۹۱۹ منتشر شد. (الهی، ۱۳۸۴: ۲۰) مکیندر قاره های اروپا، آسیا و آفریقا را به عنوان جزیره جهانی می شناخت و آن را به همین نام معرفی کرد. (عزتی، ۱۳۸۲: ۱۲) اساس تز معروف مکیندر این بود که حوضه داخلی اروپا- آسیا منطقه محوری سیاست جهان است. مکیندر متذکر شد که این منطقه محوری توسط یک حاشیه هلالی شکل محاصره می شود که خاورمیانه در آن جای دارد. (درایسدل، بلیک، ۱۳۸۶: ۳۶)

نظریه تئوری ریملند (۳)

نظریه دیگری که در مباحث ژئوپولیتیک از اهمیت ویژه ای برخوردار است، نظریه تئوری سرزمین حاشیه ای «ریملند» از نیکلاس اسپایکمن (۴) می باشد. این تئوری به سرزمینهای حاشیه ای اروپا، خاورمیانه، آسیای جنوبی و خاور دور اهمیت بسیار می دهد. و همچون کلیدهای امنیت ایالات متحده آمریکا تلقی می کند، به نظر این دانشمند تسلط بر هر یک از این مناطق احاطه بر جهان جدید را به صورت یک امکان در می آورد (نورایی، شفایی، ۱۳۸۵: ۱۱۷) دلیل اهمیت دادن اسپایکمن به ریملند در مقایسه با هارتلند، از این جهت بود که به اعتقاد وی این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می کند. همچنین بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباطات در این بخش در جهان وجود دارد. (عزتی، ۱۳۸۲: ۱۸)

۱- Heart land theory

۲- Sir hal ford makinder

۳- Rimland theory

۴- Nicholas spykman

نظریه قدرت دریایی (1)

نظریه دیگری که در مباحث ژئوپولیتیک حایز اهمیت است نظریه آلفرد تایر ماهان (2) آمریکایی می باشد . این افسر نیروی دریایی آمریکا «نیروی دریایی را به عنوان کلید قدرت جهانی» مورد تاکید قرار داده است . به نظر آلفرد ماهان « دریاهاى جهان بیش از آنکه سرزمین های جهان را از هم جدا کند آنها را به هم پیوند می دهند» بنابر این تشکیل امپراتوری های ماورای بحار و دفاع از آنها به قدرت تسلط بر دریا بستگی دارد. (نورایی، شفایی، ۱۳۸۵ : ۱۱۸) ماهان با تاکید بر اینکه در یاهای جهان خشکی ها را به هم متصل می کند و نه جدا ، معتقد بود که تسخیر و دفاع از مستعمرات یک امپراتوری به توانه کنترل دریا بستگی دارد (الهی، ۱۳۸۴: ۲۳)

نظریه کمر بند شکننده

اس . بی . کوهن . نظریه « کمر بندهای شکننده » را مطرح کرد که منطقه خاورمیانه در آن جای می گیرد . بر اساس این نظریه خاورمیانه میان دو قدرت بری (شوروی) و بحری (آمریکا) قرار دارد و لذا در زیر فشار این دو قدرت خورد می شود (ولدانی ، ۱۳۸۸ : ۲۸) کوهن یک طرح کمتر جدلی از مناطق ژئواستراتژیک جهان ارائه داد که در آن خاورمیانه همراه با مصر، سودان و بخشی از لیبی را در بر می گرفت . کوهن نظریه کمر بند شکننده را بدین صورت تعریف می کند « در یک منطقه وسیع با موقعیت استراتژیک توسط دولتهایی در حال کشمکش که بین منافع متضاد قدرتهای بزرگ گیر کرده است . (درايسدل، بلیک، ۱۳۸۶: ۳۷)

چنانچه می بینیم تمام این نظریه ها به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس توجه ویژه ای دارند

Sea power thory -۱

Admiral Alfred Thayer mahan -۲

ژئوپولیتیک کشورهای حوزه خلیج فارس

عربستان :

عربستان بخش بزرگی از شبه جزیره حجاز است . این شبه جزیره ، که در جنوب باختری آسیا قرار گرفته ، قریب ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربعه مساحت دارد . عربستان سرزمین بلند ، خشک و سوزان به شمار می آید و تل های شنی با بادهای خشک و دائم در سطح آن در حرکت هستند و این سرزمین به ندرت ، در معرض بادهای موسمی دریایی قرار می گیرد . عربستان از لحاظ ناهمواری ها به مناطق زیر تقسیم می شود (عزتی ، ۱۳۷۸: ۹۳)

۱ - منطقه « حجاز » و « العسیر » در باختر خاک این کشور قرار دارند . واز لحاظ پوشش نباتی بسیار غنی تر از سایر بخشها است . بنادر « جدّه » و « جیزان » در این منطقه قرار دارند

۲ - منطقه « نجد » در خاور منطقه حجاز و العسیر قرار گرفته و وجود ارتفاعات صخره ای و بیابانهای شنی از ویژگی های آن است این منطقه در گذشته، از لحاظ انسانی و اجتماعی ، هسته مخالف زایی برای دولت مرکزی بوده است .

۳- قلمرو کویرها و صحاری وسعت قابل ملاحظه ای را به خود اختصاص داده است . مهمترین کویرهای این بخش عبارتند از : «الرهناء» صحرای «نفوذ» و صحرای « ربع الخالی » . صحرای اخیر بزرگترین صحاری عربستان است و وسعتی معادل ۵۶۰ هزار کیلومتر مربع دارد .

پیش از تحلیل ژئو پولیتیکی عربستان ، باید به این نکته اشاره کنیم که اصولا امکانات و شرایط جغرافیایی هر کشور به نحوی است که برخی در جهت تقویت آن کشور و برخی در جهت تضعیف آن کشور عمل می کنند.

این عوامل به دودسته اصلی داخلی و خارجی تقسیم می شوند . در کشور عربستان نیز همانند سایر واحدهای جهان ، اسن عوامل را باید مورد توجه قرار داد.

عوامل داخلی موثر بر قدرت : از جمله عوامل داخلی ، که تاثیر مثبتی بر قدرت و نفوذ عربستان دارند، می توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱ - اسلام و حرمین شریفین : ظهور اسلام در این مکان جغرافیایی و وجود حرمین شریفین این کشور را به عنوان قطب اسلام در آورده است . سالانه میلیونها نفر مسلمان از سراسر جهان به این مکان می آیند و علاوه بر درآمدهای سرشاری که همواره در حال افزایش هستند ، این کشور می تواند از این بزرگترین عوامل ژئوپولیتیکی به عنوان یک منبع تمام نشدنی ، به هر شکل که بخواهد ، بهره برداری نماید . این کشور توانسته است با بهره گیری از طرفداری جهان اسلام ، موقعیت های ممتازی در صحنه بین المللی و منطقه ای برای خود کسب کند (عزتی ، ۱۳۷۸: ۹۷)

۲ - نفت و قدرت عظیم اقتصادی و نظامی ناشی از آن : قدرت تولید نفت تا قریب ۱۲ میلیون بشکه در روز ، به این کشور این امکان را داده است که در قیمت گذاری نفت و به طور کلی ، تولید ، توزیع و مصرف آن نقش خاصی ایفا کند و بخشی از درآمدهای نفتی خود را صرف خرید تسلیحات نظامی نماید و بدین سان ، قدرت نظامی خود را افزایش داده است . (عزتی ، ۱۳۷۸: ۹۷)

۳- اشتراکات قومی و فرهنگی با دیگر اعراب : این کشور از این طریق توانسته است با این پیوندها و بهره گیری از وحدت دینی براحتی در کشورهای منطقه نفوذ کند. (عزتی ، ۱۳۷۸: ۹۷)

۴- موقعیت ممتاز ژئوپولیتیکی : قرار گرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان - خلیج فارس و دریای سرخ - موقعیت ژئوپولیتیکی خاصی به این کشور بخشیده است . دسترسی به این دو آبراه ، امکان رزمایش استراتژیکی زیادی برای این کشور فراهم ساخته است . (متقی زاده ، ۱۳۸۴: ۶۹)

عوامل خارجی موثر بر قدرت : از عوامل خارجی که به عنوان یک پشتوانه فراملی در جهت تحکیم ثبات و امنیت و افزایش قدرت عربستان نقش دارند ، می توان وابستگی جهان غرب به نفت و بازار عربستان را نام برد ، به گونه ای که عربستان به علت موقعیت ژئوپولیتیکی خود ، در میان کشورهای خلیج فارس ، اولویت نخست را برای آمریکا دارد، زیرا این کشور دارای وسعت زیاد و مرز طولانی با خلیج فارس است . در میان کشورهای عربی حتی مسلمان دارای اهمیت سیاسی بوده ، صاحب مخازن عظیم نفت است و سر انجام ، موقعیت جغرافیایی آن چنان است که از خاک آن عملیات نظامی علیه سایر کشورهای شبه جزیره عربستان و منطقه به

آسانی ممکن است و سواحل آن در دریای سرخ امکان صدور نفت را به عنوان جایگزینی برای خلیج فارس امکان پذیر می سازد. (الهی، 1384: 282)

عراق

کشور عراق با وسعت ۴۳۷/۰۷۲ کیلومتر، یکی از هشت کشور حاشیه خلیج فارس است. این کشور در بخش جنوبی غربی آسیا و در همسایگی کشورهای ایران، ترکیه، سوریه، اردن، هاشمی، کویت، عربستان قرار دارد و به علت ویژگی های خاص جغرافیایی، نقش مهمی در بین کشورهای حوزه خلیج فارس ایفا می کند. در تحلیل ژئوپولیتیکی عراق، موضوع را باید در عوامل متغیر ژئوپولیتیکی و در راس آن ترکیب جمعیت این کشور جست و جو کرد. عراق از بافت جمعیتی متنوع و ناهمگونی برخوردار است. پس از جنگ جهانی اول، انگلستان جهان عرب را تقسیم کرد و کشور عراق از به هم پیوستن ۱۸ استان از امپراتوری عثمانی تشکیل شد. تنوع عناصری ماهوی جمعیت عراق تنها از نظر امنیت داخلی مشکل ساز نبوده، بلکه از منظر آسیب شناسی امنیت منطقه ای و بین المللی نیز همواره نگرانی حکومت های این واحد ملی و همسایگانش را در پی داشته است. (پژوهش و تحقیق، ۱۳۸۳: ۱۷) همچنین عراق به دلیل موقعیت نامطلوبی که در خلیج فارس دارد، به لحاظ جغرافیایی از عمق استراتژیک مناسبی برخوردار نیست. طول سواحل این کشور در خلیج فارس قریب ۵۵ کیلومتر است که نسبت به دیگر کشورهای این منطقه کمترین ساحل را داراست. علاوه بر این، آب این مناطق بسیار کم عمق است و بنابر این، موقعیت مطلوبی را برای کشتی رانی و حمل و نقل فراهم نمی آورد. این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه، ذخایر فراوان نفتی دارد و پس از عربستان و ایران سومین کشور غنی جهان به شمار می آید. (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۱۰) این کشور همچنین به دلیل موقعیت استراتژیکی نامطلوبی که دارد همواره مطامع ارضی به خاک کشورهای همسایه خود داشته و تقریباً با تمامی همسایگان خود اختلافات ارضی داشته است. (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۱۱)

عمان با وسعتی قریب ۳۰۰/۰۰۰ کیلومتر ، متشکل از دوبخش شمالی و جنوبی است که بخش شمالی را شبه جزیره «المسندم» و بخش جنوبی آن را سرزمین اصلی عمان تشکیل می دهد . این کشور سلطان نشین در منتهی الیه شرق و جنوب شرقی شبه جزیره عربستان واقع شده و به صورت یک کمر بند سالی ، در حد فاصل بین «ربع الخالی» و دریای عرب قرار گرفته است . (یگانه ، ۱۳۷۴ : ۱) به دلیل قرار گرفتن در منطقه حاره ، این کشور جزو مناطق گرمسیری است و میزان بارندگی در سواحل آن بسیار ناچیز ، ولی در ارتفاعات قابل ملاحظه است . در تحلیل ژئوپولیتیکی عمان باید گفت : این کشور به دلیل قرار گرفتن در گذرگاه استراتژیک هرمز ، دارای ارزش استراتژیک است . به دلیل آنکه این کشور در منطقه خلیج فارس قرار گرفته ، از منافع انرژی این حوزه از جمله نفت متاثر است . از سوی دیگر ، در مسیر آبراه های حمل و نقل انرژی و کالاهای تبدیلی آسیا - اروپا قرار دارد و داری نقش ارتباطی است و از این نظر ، مورد توجه اهداف استراتژی قدرت های بزرگ از جمله ایالات متحده آمریکا است . همچنین علاوه بر شبه جزیره «المسندم» و کرانه های جنوبی تنگه هرمز ، موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند بر اهمیت استراتژیک آن می افزاید . وجود جزایری مانند «مصیره» «کوریا» «موریا» که از لحاظ نظامی در حکم سرپل هایی برای عملیات آبی و خاکی هستند ، موقعیت حساس این کشور را چند برابر می کند (عزتی ، ۱۳۷۸ : ۱۰۱)

فضای جغرافیایی عمان به دلیل موقعیت ویژه ای که دارد از عوامل انسانی و طبیعی مناطق اطراف خود متاثر است ، در درجه اول ، از حوزه خلیج فارس و شبه جزیره عربستان متاثر است و سه قدرت منطقه ای از جمله عربستان ، ایران و پاکستان از لحاظ سیاسی ، اقتصادی ، امنیتی ، دفاعی و فرهنگی این کشور را تحت الشعاع خود قرار می دهند (عزتی ، ۷۸ : ۱۰۲) اقتصاد این کشور نیز همانند دیگر کشورهای منطقه ، به نفت وابسته است و افزون بر ذخایر نفت ، میزان قابل توجهی از گاز ، مس و سنگ کرومیت در این کشور یافت می شود ، همچنین عمان دارای معادن زغال سنگ ، سنگ مرمر ، سنگ گچ و سنگ آهک است (یگانه ، ۱۳۷۴ : ۳۷)

بحرین

بحرین با وسعتی قریب به ۷۱۶ کیلومتر مربع، متشکل از ۳۵ جزیره است. از لحاظ میزان بارش سالانه، کشوری خشک محسوب می‌شود و از این رو، مسئله کم‌آبی و لزوم صرفه‌جویی در مصرف آن، برای این منطقه حائز اهمیت است. کم‌ارتفاع بودن بحرین و مجاورت آن با بیابان‌ها و شن‌زارهای عربستان، موجب وزش بادهای موسمی در این سرزمین شده است. (سیف افجه ای، ۱۳۷۶: ۵)

در تحلیل ژئوپولیتیکی بحرین، باید گفت: موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن این کشور در قلب منطقه خلیج فارس، به آن جایگاه استراتژیک خاصی بخشیده است. اگر چه بحرین از نظر جمعیت و وسعت، کوچکترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن با سواحل ایران و اکتشاف چاهای نفت و وجود چشمه‌های آب شیرین از دیر باز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است.

(سیف افجه ای، ۱۳۷۶: ۲۲)

در گذشته صید مروارید مهمترین عامل رونق اقتصادی بحرین بود که با کشف نفت از اهمیت آن هم کاسته شد. اما با توجه به وسعت محدود این کشور، کم‌ترین ذخیره‌های نفتی کشورهای این حوزه را در اختیار دارد و به دلیل کمبود ذخایر نفتی دولت می‌کوشد گاز را به جای نفت در صنایع جایگزین کند. پس از نفت و گاز صنعت آلومینیوم از اهمیت خاصی در بحرین برخوردار است (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۴)

قطر

کشور قطر با وسعتی قریب به ۱۱/۴۳۷ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۱۴۵۰۰۰۰ نفر یکی از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است که به دلیل موقعیت جغرافیایی اهمیت ژئوپولیتیکی خاصی دارد. این کشور از شرق، با امارات عربی متحده و عمان مرز مشترک دارد. بخش‌های جنوبی و قسمت‌هایی از بخش‌های غربی آن با کشور عربستان هم مرز است. در غرب نیز با کشور کوچک بحرین همسایه است و نزدیک‌ترین فاصله را با آن داراست.

موقعیت جغرافیایی این کشور و قرار گرفتن آن در قلب منطقه خلیج فارس و همسایگی با کشورهای مهم منطقه و از سوی دیگر، کشف نفت و برخورداری از منابع عظیم گاز، به لحاظ اقتصادی و سیاسی، برای قطر موقعیت ویژه‌ی استراتژیکی آفریده است، ثلی در هر حال، اهمیت منابع طبیعی به ویژه منابع سرشار گاز طبیعی، این نقصان را تا حدی جبران می‌کند، به گونه‌ای که قطر پس از روسیه و ایران بزرگترین ذخایر گاز طبیعی در جهان را به عهده دارد (متقی زاده، ۱۳۸۴: ۹۸)

رابطه قطر با دیگر امیر نشینان منطقه مسالمت آمیز است. گرچه این ارتباط با امارات عربی متحده چندان وسیع نیست، ولی در هر حال، این کشور به دلیل قوم‌گرایی عربی، هماهنگی با سیاست‌های غربی و ترس ناشی از تهدیدات خارجی و داخلی، دارای وجه اشتراک با کشورهای عربی منطقه است. (علوی، ۱۳۷۴: ۸۷) که عامل مهمی در راه ایجاد روابط دوستانه با کشورهای منطقه به شمار می‌رود و به رغم اختلافات ارضی با کشورهای همچون امارات، عربستان، و بحرین در راه تحکیم روابط با کشورهای عرب و مسلمان گام بر می‌دارد.

کویت

کشور کویت با مساحت ۱۷/۸۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت ۳۴۰۰۰۰۰ نفر جزو کشورهای کوچک طبقه بندی می‌شود. موقعیت جغرافیایی کویت و هم مرزی با کشورهای بزرگ منطقه همچون، ایران، عربستان، عراق شکل بقا و امنیت را به صورت بزرگترین و مهم ترین مشکل مبتلا به کویت در آورده است. قرار گرفتن بین ۸ و ۳۰ درجه عرض و ۴۶ و ۴۸ درجه طول شرقی، آب و هوایی گرم برای این کشور به ارمغان آورده است.

کویت با وجود وسعت کم، یکی از بزرگترین کشورهای تولید کننده نفت جهان است. ذخایر نفتی این کشور، هفتاد میلیارد بشکه تخمین زده می‌شود که بیش از سه برابر ذخایر نفتی ایالات متحده آمریکا و ده درصد کل ذخایر نفتی جهان است. (فیلی رودباری، ۱۳۷۵: ۱۷) در تحلیل موقعیت ژئوپولیتیکی کویت، باید گفت: این کشور به دلیل وسعت کم، از موقعیت آسیب پذیری برخوردار است. چرا که پراکندگی جمعیت و مراکز صنعتی برای این کشور فراهم نیست و دشمن می‌تواند به راحتی آن را تصرف کند، آن گونه که عراق در جنگ دوم خلیج فارس چنین کرد. از سوی دیگر، داشتن همسایگان پر قدرتی همچون ایران، عراق، عربستان

همواره نوعی تهدید برای این کشور به شمار می آید و به همین دلیل ، کویت فاقد عمق استراتژیکی مطلوب است (فیلی رودباری ، ۱۳۷۵ : ۴۱)

امارات عربی متحده

کشور امارات عربی متحده با مساحتی قریب ۸۳/۶۰۰ کیلومتر مربع ، بین عرض جغرافیایی ۲۲ تا ۲۶ درجه و ۳۰ دقیقه و ۵۱ تا ۵۶ درجه و ۳۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است و بخشی از منطقه خلیج فارس به شمار می آید که با کشورهای عمان در شمال شرقی ، عربستان در جنوب و غرب قطر در شمال غربی مرز مشترک دارد . این کشور از هفت امیر نشین « ابوظبی ، دوبی ، شارجه ، ام القرین ، عجمان ، فجیره ، راس الخیمه » تشکیل شده است که از میان آنها ، امیر نشین های ابوظبی و دبی اهمیت بیشتری دارند . (متقی زاده ، ۱۳۸۴ : ۸۹-۹۰) ابوظبی وسیع ترین و از لحاظ نظامی ، نیرو مند ترین نه شیخ نشین در حاشیه پایینی خلیج فارس است و مهمترین عضو امارات عربی متحده به شمار می رود ، برحسب در آمد سرانه ، ابوظبی ثروتمند ترین دولت های جهان است و ثروت ابوظبی به تنهایی ، مقام منحصر به فرد آن را در حکومت فدرال توجیه می کند . (مظفری ، ۱۳۵۷ : ۸۶)

دوبی دومین شیخ نشین امارات عربی متحده است که به لحاظ تجاری و جمعیت اهمیت دارد . این امیر نشین از جنبه جمعیتی پر جمعیت ترین شهر امارات و از بعد تجاری ، شهر بندری و پر رونق امارات و منطقه آزاد تجاری به شمار می آید . حاکمان این کشور با توسل به بازرگانی و سیاست تجارت آزاد ، به رغم درآمدهای اندک حاصل از فروش نفت و وسعت و مساحت کم ، این امیر نشین را به یکی از پر رونق ترین مناطق تبدیل نموده اند . دیگر شیخ نشین ها به لحاظ امکانات شهری و مدنیت ، بسیار عقب افتاده تر از این دو شیخ نشین هستند ، مهمترین صنایع این کشور پالایش نفت و سیمان بوده و در زمینه تولید نفت ، ابوظبی از دیگر امیر نشین ها موفق تر عمل کرده است . (متقی زاده ، ۱۳۸۴ : ۹۰)

حدود دو سوم ذخائر اثبات شده نفت و یک سوم ذخائر گاز طبیعی جهان در اختیار کشورهای خلیج فارس قرار دارد. تقاضای مستمر برای نفت خلیج فارس به فراوانی آن و به رشد اقتصاد جهانی بستگی دارد. اگر رشد مداوم اقتصادی در آمریکای شمالی، اروپا و آسیا در دهه آینده استمرار یابد، جهان با افزایش سریع تقاضا برای انرژی روبرو خواهد شد. افزایش تقاضای آسیا به ویژه کشورهای چین و هند به نفت خلیج فارس یکی از تحولاتی است که در آینده آثار ژئوپولیتیکی و اقتصادی نیز خواهد داشت. در صورتی که کشورهای بلوک شرق سابق بتوانند در مدیریت و نظم بخشی به اقتصاد خود موفق شوند، تقاضای انرژی حتی سریع‌تر از پیش افزایش خواهد یافت. مزیتی که در خصوص انرژی این منطقه وجود دارد، فراوانی نفت و گاز، استخراج با هزینه‌های کمتر در مقایسه با مخازن نفت در مناطق دیگر و قرار گرفتن در کنار مسیرهای کارآمد و توسعه یافته حمل و نقل جهت دسترسی به بازارهای مختلف می‌باشد. (کمپ، هارکاو، ۱۳۸۳، ۱۹۰-۱۸۷)

متغیر ثبات در خلیج فارس و استمرار عرضه مطمئن انرژی در اقتصاد جهانی نقشی غیر قابل انکار دارد. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج فارس تولید می‌شود که تقریباً ۲۷ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد. تقریباً بین ۱۵/۵ - ۱۵ میلیون بشکه نفت در هر روز از تنگه ۳۴ مایلی هرمز به خارج حمل می‌شود که این خود سبب شده است تا این آبراه به نقطه‌ای مهم در اقتصاد جهان تبدیل شود. اداره اطلاعات انرژی برآورد کرده است که تا سال ۲۰۲۵ کشورهای خلیج فارس ۳۶/۴ میلیون بشکه نفت در روز صادر خواهند کرد، یعنی بیش از دو برابر صادرات کنونی‌شان که بالغ بر ۱۷ میلیون بشکه در روز می‌شود. اقتصادهای در حال توسعه به ویژه در آسیا طی دو دهه آتی به انرژی در خلیج فارس وابسته خواهند شد. (راسل، ۱۳۸۵، ۱۳) وابستگی جهان صنعتی به انرژی خلیج فارس در شرایطی است که برخی از بحران‌ها و ناامنی‌ها به ویژه در عراق وجود دارد و احتمال برخی از اعتراضات و جنبش‌ها که در آینده می‌تواند نظام‌های سیاسی بعضی از کشورهای کوچک را آسیب‌پذیر نماید بر دل مشغولی و توجه به این منطقه و اهمیت آن افزوده است.

در بستر خلیج فارس بیش از ۷۰۰ چاه نفت در دست بهره برداری است که با توجه به این مسائل خلیج فارس را انبار نفت جهان می‌نامند. نفت خلیج فارس از ویژگی‌هایی مانند بازدهی بالای چاههای نفت، پائین بودن

هزینه تولید ارزان بودن هزینه حمل و نقل کیفیت بالای نفت خام امکان کشف ذخایر جدید و بالا بودن ذخایر چاههای نفت برخوردار است.

خلیج پارس دریای نیمه بسته ای است که بازوی اقیانوس هند به شمار می رود و تنگه هرمز کلید آن محسوب می شود. تنگه هرمز در نظریات ژئوپولیتیکی جایگاه ویژه ای دارد. ابو کرک دریادار مهاجر پرتغالی به اقیانوس هند و خلیج پارس معتقد بود که هر دولتی بر سه تنگه باب المندب هرمز و مالاکا تسلط داشته باشد بر جهان مسلط خواهد بود این نظریه تا امروز همچنان معتبر است. اقتصاد تمام کشورهای این منطقه به نفت وابسته است.

تقریباً تمام کشورهای خلیج پارس از نظر صادرات و واردات کالا و صدور نفت خود به تنگه هرمز وابستگی دارند. تنها حدود ۲۰ درصد از نفت خلیج پارس از طریق خط لوله صادر می شود. احداث خطوط لوله نه تنها هزینه های سنگینی را در بر دارد بلکه تابع ملاحظات سیاسی و امنیتی است. (www.Chtn.ir)

مهمترین جنبه حکومت های عرب در خلیج فارس آنست که دولتهای حاکم بر ثروت عظیمی دسترسی دارند. جمعیت این کشورها به طور نسبی کم و محدود است، رژیم های موروثی منطقه توجه چندانی به اخذ مالیات از شهروندان خود ندارند و یا اینکه درآمدهای مالیاتی رقم مهمی در بودجه دولتهای مذکور تشکیل نمی دهد. دولتهای عرب منطقه درآمدهای مالیاتی رقم مهمی در بودجه های خود دارند. این درآمدها ممکن است ناشی از فروش گاز طبیعی و یا سرمایه گذاری های حکومت در خارج از کشور باشد. منابع نفت این کشورها تحت مالکیت حکومت ها و به عبارت دیگر خاندان های حاکم است و عملیات اکتشاف، استخراج، تولید، پالایش و صدور نفت به صورت انتزاعی و خارج از سایر بخشهای اقتصادی کشور صورت می گیرد. عمده روند بعمل آوری نفت تحت تسلط کمپانی های خارجی و عوامل ایشان یعنی نیروی کار و متخصصان بیگانه صورت می گیرد. اتباع کشورهای عرب حوزه خلیج فارس که در بخش نفت کار می کنند عملاً کارکنان حکومت محسوب می شوند. (امامی، ۱۳۸۵: ۲۵۴) همچنین از ۱۰۰۳ میلیارد بشکه کل ذخایر اثبات شده نفت در جهان ۶۶۳ میلیارد بشکه آن در خلیج فارس است. علاوه بر آن خلیج فارس از ویژگی هایی مانند بازدهی بالای چاه های نفت، پایین بودن هزینه تولید، ارزان بودن هزینه حمل و نقل، کیفیت بالای نفت خام، امکان کشف ذخایر جدید و بالا بودن میزان ذخایر چاههای نفت برخوردار است در هر چاه نفت در منطقه خلیج فارس بین ۲۵ هزار

تن تا یک میلیون تن نفت وجود دارد. در حالی که این رقم در ونزوئلا حدود ۲۰ هزار تن و در آمریکا ۶۰۰ تن است. هر چند در سالهای اخیر کوششهای فراوانی در جهت جایگزین کردن نفت با دیگر منابع انرژی صورت گرفته و در مواردی موفقیت‌هایی نیز به دست آمده اما به هیچ وجه از اهمیت نقش حیاتی و حساس نفت کاسته نشده، بلکه با توجه به افزایش نیازهای جهانی، تنوع فرآورده‌های آن به عنوان ماده اولیه در صنایع رو به گسترش پتروشیمی، به اهمیت آن افزوده شده است.

طبق برآورد مصرف کل سالانه انرژی در دنیا ۲۰۲۰ حدود ۷۵ درصد بیشتر از مصرف کل انرژی در سال ۱۹۹۰ خواهد بود. (ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) یکی از برنامه‌های (۲۰۲۰) اقدام برای سرمایه‌گذاری برای بخش دولتی و خصوصی در طرحهای مشترک پتروشیمی و صنعت گاز صبیعی در عمان است. مداخله و شرکت عمان در کنسرسیوم دو میلیارد دلاری خط لوله خزر یکی از اقدامات محسوب می‌شود. برنامه دیگر عمان برقراری مناسبات اقتصادی گسترده با کشورهای ساحلی اقیانوس هند است. سیاست عمان در سالهای اخیر آن بود که طرحهای مشترک اقتصادی با کشورهای نظیر هند، استرالیا، آفریقای جنوبی، اندونزی، مالزی، به مرحله اجرا درآورد. (امامی، ۱۳۸۵: ۲۸۰-۲۸۱)

مسائل امنیتی خلیج فارس

خلیج فارس با مساحتی حدود ۲۹۵۰۰ مایل مربع، حدوداً ۵۶۵ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد که ۶۳ درصد از کل ذخایر ۸۹۶/۵ میلیارد بشکه‌ای نفتی شناخته شده در جهان را تشکیل می‌دهد (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۳) امنیت در خلیج فارس یکی از دغدغه‌های اصلی تولیدکنندگان منطقه‌ای نفت و مصرف‌کنندگان بزرگ آن در سراسر جهان بوده و هست. در واقع، این ایران بود که پس از خروج نیروهای استعماری بریتانیایی از منطقه، خواستار ترتیبات منطقه‌ای برای امنیت خلیج فارس شد (مجتهد زاده، ۱۳۸۰: ۵)

تاکنون عمده‌ترین نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه‌ی خلیج فارس، مسئله‌ی «امنیت» بوده است. پس از جنگ جهانی دوم، انگلستان به عنوان قدرت مسلط منطقه، نظم سنتی را، که از پیش ایجاد کرده بود، همچنان حفظ نمود. در سال ۱۹۷۱، با خروج انگلیسی‌ها، آمریکا با اجرای سیاست معروف «دو

ستونی» در قالب آموزه ی نیکسون، نظام امنیتی منطقه را شکل داد. اما در سال های پایانی دهه ی هفتاد، جریاناتی که در منطقه رخ دادند، این نظام را از بین بردند؛ تا اینکه در اوایل دهه ی ۱۹۸۰، یک نظام امنیتی جدید به نام «شورای همکاری خلیج فارس»، (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۴۵) در حاشیه ی جنوبی به وجود آمد که با حمله ی عراق به کویت، ناتوانی آن نیز به اثبات رسید.

در پی فروپاشی پیمان «ورشو» و نظام جهانی دو قطبی در آغاز دهه ی ۱۹۹۰، مفهوم «امنیت» در منطقه ی خلیج فارس به گونه ای غیرقابل تصور دگرگون شد. در رابطه با مفهوم «امنیت»، گمان تهدید اتحاد شوروی (سابق) جای خود را به نگرانی درباره ی کشمکش های فزاینده ی سرزمینی در درون منطقه داده است. این دگرگونی حضور نظامی ادامه یابنده ی بیگانگان را در منطقه توجیه می کند، که آن نیز به نوبه ی خود، از منابع ناامنی در خلیج فارس محسوب می شود. در برابر این تهدیدات جدید منطقه ای، ناظران آگاه به راه حل اجتناب ناپذیر منطقه ای می اندیشند و آن اتحاد منطقه ای فراگیر با شرکت همه ی قدرت های کرانه ای خلیج فارس و در تعامل با نیروهای خارجی حاضر در منطقه است.

عناصر اصلی، که تقریباً در تمام تعاریف امنیت مشاهده می گردند، ارزش ها، خطرات یا تهدیدات هستند. هم ارزش های عمومی و هم تهدیدهای عمومی، احتمالاً به رهیافت امنیت جمعی در میان کشورهای مستقل منجر می گردند.

واژه ی «امنیت» ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول گردید. سپس تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین الملل پدید آمد، موجب شدند این مفهوم کارایی بیشتری پیدا کند. بوزان، که رهیافت مفهومی وسیعی از مسئله ی امنیت ارائه می دهد، اصطلاح «امنیت» را یک مفهوم توسعه نیافته تلقی می کند. کتاب باری بوزان منبع معروفی برای اغلب مباحث مربوط به بحث «امنیت» در روابط بین الملل است. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵) وی در کتاب خود، پنج دلیل برای عقب ماندگی مفهوم «امنیت» ارائه می دهد که چرا مفهوم امنیت مورد غفلت واقع شده است. به نظر وی، تأکید صرف بر مقوله ی «امنیت ملی»، کافی نیست. در مجموعه روابط بین الملل، مهم ترین نهادها کشورها هستند، اما دولت ها خود می توانند منشأ تهدید نسبت به موضوعات خود باشند که اغلب تحت عنوان «امنیت» توجیه می شوند. بنابراین، «امنیت» مفهومی است در معرض برداشت های مختلف. به دلیل آنکه اصولاً سیاست سازان و نظریه پردازان سیاسی «امنیت» را با توجه

قدرت ملی تعریف می کنند، نوعی وحدت نظر نامناسب رایج گشته است. برخی از محققان هم، که بیشتر به مقوله ی امنیت پرداخته اند، اسیر بحث های مبتنی بر قدرت گردیده اند. به عبارت دیگر، «امنیت» همان معنا و مفهومی را پیدا می کند که گوینده قصد دارد آن را تعبیر کند. جایگاه امنیت به عنوان یک ارزش سیاسی بحث انگیز و استعمال نامناسب آن، این اصل را به اثبات رسانده است که باید درباره اش تحقیقات دانشگاهی ژرف و عمیقی به عمل آید. در نتیجه، «امنیت» در عبارت باری بوزان، مفهومی واضح تر و عمیق تر از شأن و منزلت کنونی آن پیدا می کند.

در یکی از کامل ترین تلاش ها، برای تحلیل این مفهوم (پیش از بوزان)، آرنولد ولفرز امنیت را به عنوان یک نشان و نماد مبهم توصیف نمود و به وجود نیروهای بالقوه مبهم و استفاده ی سیاست مداران از آن اشاره کرد. پس ابهام مفهومی می تواند پیامدهای سیاسی مهمی در پی داشته باشد؛ زیرا رجوع به ملزومات امنیت می تواند برای توجیه اقدامات استثنایی مورد استفاده قرارگیرد. طبق نظر وی، امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش های کسب شده را مشخص می کند، و در معنای ذهنی، فقدان ترس و وحشت از حمله به ارزش ها را معین می نماید.

این دو وجهی بودن مفهوم امنیت در تعاریف لغت نامه ها، که از یک سو به معنای ایمنی، استواری و نفوذ ناپذیری، قابلیت اعتماد، اطمینان از عدم شکست، و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد، منعکس است. از این رو، تعریف واحد و مطلق از «امنیت» وجود ندارد و این واژه دارای یک مفهوم ذاتا نسبی است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷)

پس با توجه به اختلاف مفهومی بسیاری که درباره ی تعریف «امنیت» وجود دارد، با در نظر گرفتن همه ی موارد، می توان دریافت که «امنیت» یعنی آزاد و رها بودن از خشونت اعمال شده توسط دیگران. این کامل ترین تعریفی است که تقریبا جامع تمام تعاریف نیز هست.

شورای همکاری خلیج فارس و مسئله ی امنیت

شش کشور عربی حوزه ی خلیج فارس (امارات متحده ی عربی، بحرین، عربستان، عمان، قطر و کویت) در ماه می ۱۹۸۱ میلادی ایجاد شورایی را در بین خودشان با عنوان «شورای همکاری خلیج فارس» بدون حضور ایران و عراق اعلام کردند. (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۵۴) این شش کشور به جز عربستان طی دهه های ۵۰ و ۶۰ و اوایل دهه ی هفتاد قرن بیستم میلادی به استقلال رسیدند. از این رو، عدم استقلال پیش از این و وابستگی امنیتی و اقتصادی این کشورها به خارج از منطقه یکی از عوامل مشترک این کشورها به شمار می آمد و طبیعی است که هر یک به نوبه ی خود، در جهت تشکیل یک اتحادیه برای حفظ منافع مشترک اقداماتی صورت داده باشد. (لی نورجی، ۱۳۸۳: ۱۱۷)

روابط جمهوری اسلامی ایران با شورای همکاری خلیج فارس به دو مقطع تقسیم می شود: مقطع جنگ تحمیلی و دوران پس از جنگ تحمیلی. (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰: ۷۷)

مقطع جنگ تحمیلی: «شورای همکاری خلیج فارس» قریب هشت ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) توسط عراق و زمینگیر شدن نیروهای آن کشور در خاک ایران تأسیس شد. کشورهای عرب جنوب خلیج فارس از همان آغاز جنگ در جهت راه کار آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن در منطقه قرار داشتند و کمک های ذی قیمتی را در اختیار عراق قرار دادند. با این مقدمه، می توان به تشریح موضع عمومی شورا در قبال جنگ تحمیلی و شناخت استراتژی آن در قبال جمهوری اسلامی ایران و در خصوص جنگ پرداخت.

شورا با وجود گرایش های فاحش به سمت عراق، در طول جنگ همواره از اینکه ایران یا عراق به عنوان یک قدرت مطلق در خلیج فارس از جنگ بیرون بیاید و موازنه ی قوا بین ایران و عراق بر هم بخورد و در نتیجه، منطقه تحت تأثیر سلطه ی یک قدرت واحد درآید، بیم داشت. از این رو، این احتمال، که شورا خواستار پیروزی کامل عراق بود، ضعیف می نماید.

به طور خلاصه، می توان راه کار شورای همکاری در قبال جنگ را این گونه بیان کرد: شورا علی رغم جانب داری از عراق، تلاش داشت با نگه داشتن مخاصمات در سطحی قابل قبول از کشاندن شدن آتش جنگ به شش

کشور دیگر جلوگیری کند. در همان حال، خشنودی پنهانی در برخی از کشورهای شورا وجود داشت مبنی بر اینکه جنگ مادام که به کشورهای همسایه تعمیم نیافته است، ادامه یابد. جنگ تحمیلی بهترین فرصت را در اختیار عربستان قرار داد تا با تضعیف دو رقیب خود در منطقه، با تأسیس شورای همکاری بدون ایران و عراق بیشترین استفاده را از جنگ ببرد. (اچ کورد سمن، ۱۳۸۱: ۲۴)

پس از فراز نشیب های زیادی که روابط ایران و شورای همکاری را در طول جنگ تحت الشعاع خود قرار داد، در سال ۱۳۶۷ هـ.ش، ایران قطع نامه ی ۵۹۸ سازمان ملل را پذیرفت. از این به بعد، مواضع ظاهری شورای همکاری در خصوص ایران و عراق به یک توازن نسبی رسید.

مقطع پس از جنگ تحمیلی: در این دوران، روابط ایران و شورای همکاری تحت الشعاع ادعای ارضی امارات علیه جمهوری اسلامی قرار گرفت. در سال ۱۳۷۱ اولین اجلاس سران شورا پس از طرح ادعاهای واهی امارات بر سر جزایر ایرانی برگزار گردید که اوج ادعاهای مربوط به جزایر نیز در آنجا مطرح شد. (بیانیه ی پایانی شورا در سیزدهمین اجلاس سران، در ابوظبی ۱۹۹۲) جمهوری اسلامی ایران همواره با اعتقاد راسخ به اصول پایدار رعایت حسن همجواری و برقراری و توسعه ی روابط دوستانه با همسایگان خود، به منظور بی اثر ساختن توطئه های مخالفان ثبات و امنیت پایدار در منطقه ی حیاتی خلیج فارس، در سال های اخیر کوشیده است با پیروی از سیاست صبر و خویشتن داری و تنش زدایی و اعتمادسازی، حسن نیت خود را برای حل و فصل اختلافات نشان دهد و با تأکید بر پای بندی خویش به تفاهمات فیما بین و حل اختلافات از طریق مذاکرات و گفت و گوهای مسالمت آمیز، کشورهای منطقه را به منافع حیاتی شان در سایه ی ثبات و امنیت در منطقه متوجه نماید.

با توجه به اینکه در سال های اخیر شاهد تحول و دگرگونی عظیمی در معنا و مفهوم «امنیت» بوده ایم. هم اکنون «امنیت» یک مفهوم کلی و گسترده ای دارد، که صرفاً شامل بعد نظامی و تسلیحاتی نمی شود، بلکه معنا و مفهوم آن بسیاری از ابعاد زندگی ما، اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، را نیز شامل می گردد.

در این برهه ی زمانی، امنیت همه جانبه ی خلیج فارس را نیز تنها با ابزارهای نظامی نمی توان برقرار کرد. بلکه نیازمند سازوکارهای خاصی است تا همکاری همه ی کشورها را برانگیزد و همه ی کشورهای منطقه را در آن

شرکت دهد. و این مهم حاصل نمی شود، مگر با تشریک مساعی و همکاری همه جانبه ی تک تک کشورهای منطقه و پرهیز از هر گونه اختلاف و دودستگی. در این زمینه، ج.ا.ا می تواند نقش کلیدی و مهمی ایفا کند. چالش های بین المللی و منطقه ای انگیزه و محرک اصلی دستیابی به نقطه ی شروعی براساس شناخت منافع متقابل کشورها در منطقه هستند.

از سوی دیگر، امنیت منطقه حول ایجاد «امنیت جمعی» دور می زند. این امر مستلزم یک نظام امنیتی مشترک است که در آن راهبردهای امنیتی تمام کشورها یکپارچه گردیده، یکدیگر را تکمیل نمایند. ایجاد این نظام نیازمند توافق بر سر گروهی از اقدامات مشترک است. بهترین راه نیل به چنین هدفی اقدامات اعتمادسازانه در جهت ایجاد اعتماد است. برای تبدیل منطقه ی خلیج فارس به یک منطقه ی صلح و امنیت، باید حسن نیت جایگزین سوءنیت شود، و این نیاز اساسی امروزی در این منطقه به شمار می رود.

نتیجه گیری و پیشنهادات

در یک نتیجه گیری کلی باید این مورد را مورد توجه قرار داد که خلیج فارس از دیر باز همیشه مورد توجه قدرتهای بیگانه بوده است بطوری که سالهای ابتدایی حضور استعمار ، قدرتهای بزرگی همچون پرتغال ، هلند ، بریتانیا ، فرانسه و در پایان هم آمریکا را می بینیم که همیشه از این منطقه از جهان به عنوان یک منبع در آمد مناسب استفاده کرده اند.

با توجه به سوال مطرح شده که نقش ایران در امنیت منطقه خلیج فارس چگونه است ؟ و فرضیه ای هم که در این رابطه مطرح کرده ایم چنین است که ایران به عنوان کشوری که بیشترین مرز آبی را با خلیج فارس دارد نقش امنیتی بسزایی ایجاد می کند. و ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای می تواند نقش بسزایی در امنیت این منطقه استراتژیک جهان ایفا کند .

با توجه به اینکه در سالهای اخیر شاهد تحول و دگرگونی عظیم در معنا و مفهوم امنیت بوده ایم هم اکنون یک مفهوم کلی و گسترده ای دارد ، که صرفاً شامل بعد نظامی و تسلیحاتی نمی شود بلکه معنا و مفهوم آن بسیاری از ابعاد زندگی ما ، اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی را نیز شامل می گردد

پیشنادهایی که برای مسائل امنیتی و دفاعی منطقه خلیج فارس باید ارائه داد این چنین است

۱- عضویت ایران و عراق در شورای همکاری خلیج فارس به دلیل اینکه این شورا از شش کشور جنوبی حوزه خلیج فارس تشکیل شده و پیوستن ایران و عراق می تواند نقش بسزایی در این منطقه داشته باشد.

۲- از لحاظ نظامی و امنیتی باید به طور مداوم رزمایش ها و مانور های منظم و دقیقی را در منطقه خلیج فارس به انجام رساند تا قدرت نظامی ایران را به کشورهای جهان و حوزه خلیج فارس نشان دهیم

۳- باید روابط و مرزهای کشورهای حوزه خلیج فارس به طور مرتب تصحیح شود، زیرا تا به حال این مرزها همیشه این منطقه را دچار بحران کرده است . از جمله این مرزها می توان به مرزهای ایران و عراق ، عراق و کویت ، ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه اشاره نمود

۴- با توجه به اینکه نفت و گاز از اهمیت بسیار بالایی در اقتصاد این منطقه قرار دارند باید در نظر داشت که این منابع انرژی را به درستی مصرف کنیم تا در آینده با اشکال روبرو نشویم

- ۱) جعفری ولدانی اصغر (۱۳۸۸) چالشها و منازعات در خاورمیانه، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲) نورایی منوچهر، شفایی سعید (۱۳۸۵) امنیت خلیج فارس گذشته، حال، آینده، چاپ اول، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
- ۳) مجتهد زاده پیروز (۱۳۸۰) امنیت و مسائل سرزمینی در خلیج فارس، چاپ اول، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۴) مجتهد زاده پیروز (۱۳۷۹) ایده های ژئوپولیتیک و واقعتهای ایرانی مطالعه روابط جغرافیا و سیاست در جهان دگرگون شونده، تهران، نشر نی
- ۵) الهی همایون (۱۳۸۴) خلیج فارس و مسائل آن، چاپ هشتم، تهران، نشر قومس
- ۶) درایسدل آلاسداير، بلیک جرالداچ (۱۳۸۶) جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر، چاپ پنجم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه
- ۷) عزتی عزت الله (۱۳۸۲) ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم، چاپ دوم، تهران، سمت
- ۸) عزتی عزت الله (۱۳۷۸) جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، واحد تدوین کتب درسی
- ۹) عزتی عزت الله (۱۳۷۲) ژئوپولیتیک، تهران، سمت
- ۱۰) کمپ جفری، هارکاوای رابرت (۱۳۸۳) جغرافیای استراتژیک خاورمیانه، ترجمه مهدی حسینی متین، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۱) راسل جیمز (۱۳۸۵) استراتژی، انیت و جنگ در عراق: ایالات متحده و خلیج فارس در قرن ۲۱، ترجمه پیروز ایزدی، گزارش تحلیلی مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت پژوهشهای سیاست خارجی، شماره ۱۳۶ خرداد ماه ۸۵
- ۱۲) واعظی محمود (۱۳۸۵) ترتیبات امنیتی خلیج فارس، مجله راهبرد، شماره ۴۰، تهران، موسسه مطالعات راهبردی

- ۱۳) نعیمی ارفع بهمن (۱۳۷۰) مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۱۴) ربیعی علی (۱۳۸۳) مطالعات امنیت ملی ، تهران ، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- ۱۵) مکین لای اردی ، آرلیتل (۱۳۸۱) امنیت جهانی ، رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۱۶) متقی زاده زینب (۱۳۸۴) جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس ، قم ، موسسه شیعه شناسی
- ۱۷) پژوهش و تحقیق (۱۳۸۳) نقش شیعیان در فرایند دولت سازی عراق و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران ، تهران ، ابرار معاصر
- ۱۸) سیف افجه ای معصومه (۱۳۷۶) بحرین (کتاب سبز) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۱۹) یگانه عباس (۱۳۷۴) عمان (کتاب سبز) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۲۰) علوی حسن (۱۳۷۴) قطر (کتاب سبز) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۲۱) فیلی رودباری لواء (۱۳۷۵) کویت (کتاب سبز) تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل
- ۲۲) مظفری مهدی (۱۳۵۷) امارات خلیج فارس ، پژوهش اقتصادی سیاسی و اجتماعی ، تهران پژوهشگاه علوم انسانی
- ۲۳) بوزان باری (۱۳۷۸) مردم دولت ها و هراس ، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲۴) عبدالله خانی علی (۱۳۸۳) نظریه های امنیت ، مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران ، ابرار معاصر
- ۲۵) لی نورجی مارتین (۱۳۸۳) چهره جدید امنیت در خاورمیانه ، ترجمه قدیر نصیری ، تهران ، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۲۶) کورد سمن آنتونی اچ (۱۳۸۱) موازنه نظامی در خلیج فارس و خاورمیانه ، ترجمه مجید خسروی ، تهران ، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی سپاه پاسداران
- ۲۷) گلوردی عیسی (۱۳۸۱) جغرافیای جزایر ایرانی خلیج فارس ، (بوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) تهران ، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح

۲۸) بیانیه پایانی شورای همکاری خلیج فارس در سیزدهمین اجلاس سران، ابوظبی، ۲۳ دسامبر ۱۹۹۲

(سایت شورای همکاری خلیج فارس)

۲۹) سایت میراث آریا www.chtn.ir

۳۰) مرکز مطالعات ملی خلیج فارس www.persiangulfstudies.com